



اسد... بادامیان
دبیر کل حزب مؤتلفه

در فرهنگ اسلام درباره بندگان خالص و مختص خداوند باری تعالی عبارت‌های جالبی آمده است و بنده‌های کوچک از نظر جسمی و فضای هستی، عبدی ویژه و اختصاصی برای آفریدگار عظیم، این هستی شگفت‌انگیزی می‌شود. فرموده‌اند: ان... عبادا فی الارض یسعون فی حوائج الناس؛ بندگان در زمین مختص خداوند متعال هستند که ویژگی اصلی آنها کوشش خستگی ناپذیر و برآوردن حوائج مردم است. فرموده‌اند: انذارا... بعدخیرا فقهه فی الدین؛ اراده الهی اگر برای بنده‌ای خیر بخواهد او را در دین صاحب نظر می‌کند در قرآن فرمود به شیطان که ان عبادی لیس لک علیهم سلطان، شیطان بر بندگان من سلطه نمی‌یابد. نگاهی به عمر پربرکت و مبارک مرحوم حاج حبیب... عسگرولادی مسلمان به آسانی اثبات می‌کند که او از عبادا... المخلصین است؛ زیرا همه عمرش از جوانی تا لحظه وصال ابدی در خدمت مردم و رفع محرومیت‌ها و فقرزدایی و زدودن غم از چهره غمداران است به حدی که امکان نوشتن آنها در کتابی نیست زیرا بسیار وسیع و گسترده است. نمونه‌های آن بشاگرد، صندوق‌های قرض الحسنه، صندوق صدقات، اکرام ایتمام، شایسته پروری، رسیدگی به خانواده‌های زندانیان، کمک به آنها، برای مشکلات اقتصادی از با افتاده بودند و صدها مورد دیگر... او همه این برکات و خدمات و عنایات الهی را بر اساس اخلاص در نیت و عمل و تنها برای خشنودی خدا و مهم‌تر بر اساس اصول و موازین فقهی و شرعی انجام می‌داد. حاجتمندی از او وجه نسبتا بیش از معمولی را در خواست کرد موافقت کرد و گفت اگر این وجه را به من بدهید شب‌های جمعه برای مادر تان آمنه خانم و پدرتان، فاتحه می‌خوانم. گفت نمی‌توانم دیگر بپردازم، زیرا اگر برای این فاتحه به شما این کمک را بدهیم با می‌شود. گفت نمی‌خوانم فرمود خواستی خودت برای هر کسی خواستی فاتحه بخوان اما من باید خالصا وجه... وظیفه امداد به برادر مسلمان را انجام دهم و انجام داد. این نکته‌ای زیبا و نشانگر فهم خالص اوست. و عارفان عمق این نکته ظریف را می‌دانند و عسگرولادی عارفی واصل بود. عسگرولادی تنها در رسیدگی به حوائج الناس کم نظیر بود در سایه امور و وظایف دینی و شرعی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و جهاد فی سبیل... و تحمل صبر در مصیبت‌ها و مشکلات و شکنجه‌ها از زندانی طولانی مدت، یک اسوه به شمار می‌آید. در واقع او امدادگر و فعالی ساده نبود بلکه چهره‌ای اسوه و الگو در همه این امور در سپهر سیاست ایران است. خدمات گسترده او در مسئولیت امداد امام خمینی (ره) که تدوین شود ده‌ها جلد کتاب قطور خواهد بود خدمت بسیار برجسته و پشتکاری و مستمر. او در مسئله فرهنگی با تأسیس مؤسسه فرهنگی شهدای مؤتلفه اسلامی خدمتی عظیم به فرهنگ کشور و فرهنگ انقلاب اسلامی و احیای شهدای بزرگوار مطهری و بهشتی و رجایی و باهنر و عراقی و امانی و بخارایی و نیک نژاد و هرنندی و اندرزگو و سایر شهدا مانند لاجوردی راه به ثمر رساند. نوع کار او تأسیس مدرسه اسلامی غیرانتفاعی نبود یک جریان گسترده فرهنگی حزب... بود او در مبارزه اسوه بود در جریان ملی شدن نفت و در کنار مرحوم آیت... کاشانی تا مرز شهادت و مدیریت صحنه مبارزه در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ اقدام کرد. در انقلاب اسلامی او در کنار امام خمینی (ره) و یاران مؤتلفه اسلامی با نظر امام همره و عراقی و سایر قوی‌ترین و گسترده‌ترین حزب اسلامی را در ایران پایه‌گذاری کرد که ۶۰ سال در خدمت ارزش‌ها و خط ولایت و امامت و روحانیت اصیل اسلامی فعال و پرکار است و شهادتی که تقدیم کرده تعدادشان نشانگر حضور جهادی گسترده در همه صحنه‌هاست. در نبرد حق علیه باطل عسگرولادی در همه ابعاد کار کرده از دعوت به جبهه‌ها، همکاری و مشاوره به سرداران سپاه و ارتش که نمونه قرآنی آن کار وی با شهید صیاد شیرازی است تا بازسازی تخریب‌ها و رسیدگی به خانواده جانبازان و آزادگان و آوارگان جنگ و اعزام یاران مؤتلفه به جبهه‌های ضد استکبار و جمع کمک‌های موردی به جبهه‌ها فعال بوده است. عسگرولادی در سخت‌ترین شرایط در آغاز جنگ تحصیلی و دوره شهید رجایی وزارت بازرگانی را به عهده گرفت. شایسته‌ترین برنامه‌ها را اجرا کرد گرچه با کار شکنی چهره‌های نقابدار و فریبه کار روبه‌رو بود که امروز آن چهره‌های منفور قیافه پلید و مزدور استعماری خود را آشکار کردند. عسگرولادی در تفسیر قرآن ابتکارات زیبا داشت و تفسیرهای او و برداشت‌های جالب وی در فیلم‌های جاودانی مریم مقدس و یوسف پیامبر راهگشای هنرمندانی بود که می‌خواستند هنر ارزشی را در آیات قرآن به یادگار بگذارند. عسگرولادی در خارج از ایران در همه جا کوشید جریان سیال محبت و امداد و کرامت و مشکل‌گشایی را به انسان‌های خارج از ایران، عملا و اخلاقا نشان دهد و در این زمینه یک اسوه برتر باشد. در واقع در این مختصر حتی به اندازه یک بهره از یک دریا نیز درباره عسگرولادی نمی‌توان سخن گفت. هر کسی مایل است که چهره‌های پاک، خداخواه، مخلص، خدوم و عیدصالح و مختص خداوند متعال را بشناسد و از زندگانی او که اسوه بزرگ است درسی بیاموزد، و خود به تحقیق برخیزد.



عمادالدین باقی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»

در جهان امروز فهم از دین و دموکراسی تغییر کرده است

در نظام‌های سوسیالیستی توزیع

عدالت یعنی توزیع فقر

دایره آزادی گسترده‌تر از

اصلاح طلبی است

آرمان ملی - احسان انصاری: عمادالدین باقی، روزنامه‌نگار، پژوهشگر، نویسنده و فعال حقوق بشر است. وی رئیس و بنیانگذار «انجمن دفاع از حقوق زندانیان» و نویسنده کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستان‌های ایران در اواخر دهه ۷۰ است. باقی از جمله روزنامه‌نگاران پیشگام در دوران اصلاحات بود که کتاب‌های متعددی نوشته است. «آرمان ملی» برای بررسی پروسه روشنفکری دینی در ایران و چالش‌های موجود در نظریه مردم‌سالاری دینی با عمادالدین باقی گفت‌وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀ **پروژه روشنفکری دینی در ایران چگونه شکل گرفت؟ چرا این پروسه نتوانست به گفتمان غالب جامعه تبدیل شود؟**

روشنفکری به معنای مصطلح در ادبیات ما حدودا یکصد و پنجاه سال سابقه دارد. روشنفکر کسی بود که از روشنفکران عصر روشنگری که نقاد سنت‌ها و نقاد کلیسا بودند الگوگیری می‌کرد. در این شرایط چون عده‌ای بودند که هم می‌خواستند روشنفکر باشند تا مداخله و مضع موجود شناخته نشوند و هم نمی‌خواستند به بهای دست سستن از دین، روشنفکر باشند به ویژه که معتقد بودند اسلام و مسیحیت تفاوت‌های زیادی دارند و نمی‌توان همان‌گونه که روشنفکران در غرب با آن مواجه شده‌اند در اینجا هم با اسلام مواجه شد. از طرفی روشنفکران و منتقدان کلیسا در غرب هم لزوما ضد مذهب نبودند و جز متفکرانی از قبیل نیچه، هیوم و مارکس، غالبا دیندار بودند و تفسیر مدنی از مسیحیت داشتند لذا روشنفکران دینی در ایران پدیدار شدند. معانی این اصطلاحات، معانی ثابتی نیستند و در ازای فرایندهای مربوط به مسماهی خود تغییر می‌یابند، چنانکه وقتی شما انقلاب را تعریف می‌کنید ابتدا مشخصه‌های تعدادی از رویدادهای مشابه را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنید سپس انقلاب را تعریف می‌کنید. یعنی تعریف، برگرفته از مشخصه‌های پدیده‌ای عینی در جهان خارج است نه اینکه اول تعریف را می‌سازیم بعد پدیده به وجود می‌آید. روشنفکری در دوره‌ای شامل همه کسانی بود که اصل را بر دستاوردهای دنیای مدرن و نقد و وانهادن سنت نهاده بودند و وقتی روشنفکری دیندار هم آمد، همان روشنفکری‌ای بود که به مدرنیسم اصالت می‌داد ولی می‌خواست دین را هم مدرن کند. در این زمان روشنفکر دینی شامل طیفی از اندیشمندان می‌شد اما در دوره‌ای که تهاجم به مذهب از سوی جریان چپ مارکسیستی تا باستان‌گرایی افراطی سلطنت‌طلبان گسترده شد، اینک روشنفکری دینی نشان دهد به اصالت دین پایبند است مشخصه بارز او شد و شریعتی‌نماد آن بود. به ویژه پس از کودتای سال ۱۳۵۴ در سازمان مجاهدین این ویژگی بیشتر جلوه‌گری می‌کرد. از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به بعد دین در میان روشنفکران دینی پایه اصلی شد ولی از هنگامی که دین به نفع فراتر از خاصی از مدرنیته عقب‌نشینی کرد، نواندیشی دینی مطرح شد. این عناوین دلالت‌های ذاتی ندارند و قراردادی هستند.

◀ **چرا روشنفکران دینی در قیل از انقلاب اسلامی سال ۵۷ به دنبال «دین حداکثری» بودند و دغدغه‌های دینی در آنها غلبه داشت. اما پس از انقلاب و شکل‌گیری یک حکومت دینی برخی به دنبال «دین حداقلی» رفتند؟**

پیش از انقلاب در رقابت با مارکسیسم که ایدئولوژی تیکه‌باز در پهنه جهانی شده بود و برای هر دردی درمانی ارائه می‌کرد و نسخه‌ای می‌پیچید و مانند ماشین پامش‌گویی به همه سوالات شده بود و تئوری‌هایش از آغاز تاریخ را که عصر تارک بود و بشر آگاهی‌ای از آن نداشت تا جوامع امروز را در برمی‌گرفت و تبیین می‌کرد و برای همه حوزه‌های اقتصادی اجتماعی و اخلاق و سیاست نظریه داشت. روشنفکران را به سوی ارائه هندسه فکری اسلامی و بر ساختن ایدئولوژی مشابهی در رقابت با مارکسیسم سوق داد که بتواند برای تاریخ و جامعه در همه شئون، نظریه‌پردازی کند. برای این کار لازم بود اسلام فرهنگ بدل به اسلام ایدئولوژی شود. همان نکته‌ای که ما در آن زمان و در آغاز انقلاب به مثابه مزیت روشنفکری می‌پنداشتیم و همین

◀ **برخی معتقدند مردم‌سالاری دینی در درون خود با تناقضاتی همراه است. آیا در واقع چنین است؟**

دین را امر ثابت فرض کردن و از نسبت دموکراسی با آن سخن گفتن و یا بالعکس دموکراسی را امری ثابت انگاشتن مانند همان تلقی که دین باوران از دین دارند؛ سپس از نسبت دموکراسی

◀ **برخی معتقدند مردم‌سالاری دینی در درون خود با تناقضاتی همراه است. آیا در واقع چنین است؟**

دین را امر ثابت فرض کردن و از نسبت دموکراسی با آن سخن گفتن و یا بالعکس دموکراسی را امری ثابت انگاشتن مانند همان تلقی که دین باوران از دین دارند؛ سپس از نسبت دموکراسی

◀ **برخی معتقدند مردم‌سالاری دینی در درون خود با تناقضاتی همراه است. آیا در واقع چنین است؟**

دین را امر ثابت فرض کردن و از نسبت دموکراسی با آن سخن گفتن و یا بالعکس دموکراسی را امری ثابت انگاشتن مانند همان تلقی که دین باوران از دین دارند؛ سپس از نسبت دموکراسی



این قاعده کلی و عام را هم نباید نادیده انگاشت که کامیابی و ناکامی در هر زمینه‌ای عامل ریزش یا رویش و فریبی یا رنجوری است. برای مثال هنگامی که جریان‌های اصلاحی پیوسته با دیوارهای سخت روبه‌رو شده و توده حامی احساس سرخوردگی و ناکامی کنند و آموزه‌های اصلاحی در عمل از اعتبار می‌افتند و به‌طور طبیعی رادیکال می‌شوند

با دین سخن گفتن، در وی یکی سکه‌اند زیرا دموکراسی هم یک بسته ثابتی نبوده است. قرآنتی از مردم‌سالاری مانند یک مردم‌سالاری از نوع ابتدایی و قرن نوزدهمی از این حیث که از دین تفصل گرفتاری از دین از دموکراسی قرن بیست و یکمی می‌باشد. شگفت آنکه هنوز هم چپ روی را فضیلت دانسته و از نقش خود به منتقد سیستمی بدل شدند که خود بر ساخته بودند. شگفت آنکه هنوز هم چپ روی را فضیلت دانسته و از طریق مخالفت با سیستم موجود در تدارک کسب اعتبار هستند زیرا راه کسب اعتبار و فضیلت برای جریان روشنفکری چپ همواره مخالف خوانی است بدون درک مبانی بحران بی‌عدالتی. ریشه همین بی‌عدالتی هم سیستم رانتی و نوکیسه است که در ریشه در نظام دولتی و برنامه‌های دارد که از طریق مارکسیسم به قانون اساسی وارد شده است و دولتی کردن صنایع بزرگ، آموزش و پرورش، رادیو و تلویزیون، برق و غیره برگرفته از همان الگوی سوسیالیستی بود. شما یک کشور سوسیالیست پیدا نمی‌کنید که فقیر و گرسنه نباشند. در این نظام‌ها عدالت یعنی توزیع فقر. از سوی دیگر نقطه مقابل این سیستم هم سرمایه‌داری نوکیسه و رانتی است سیستمی که رقابت را حذف می‌کند و انحصار را به وجود می‌آورد.

◀ **آیا تناقض بین مفهوم روشنفکری با برخی آموزه‌های دینی دلیل اصلی این مسئله بود و یا اینکه فشارهای سیاسی بیرونی در این زمینه تأثیر گذار بود؟**

سکولارها و مشرکان، تکلیف‌شان روشن است. هر کدام به یک قطب اصالت می‌دهند، به امر مقدس یا امر عرفی، به دین یا دنیا و همه چیز را در چارچوب این تضاد تبیین و به سود باور خویش، مصادره می‌کنند. اما جریان روشنفکری دینی که یک پایه‌ساز در سنت و دین و پای دیگرش در مدرنیته است همواره در چالش‌ها و لغزش‌هایی روبه‌روست. روشنفکری دینی همواره در شکاف دوگانه عرفی - قدسی سیر کرده؛ و باید میان این دو جمع کرده و سازش برقرار می‌کرده است ولی برخی از آنها یا ناگزیر به دامن قدسیت افتاده‌اند یا سکولاریسم؛ یا دینی شده‌اند یا ضد دینی. یا چپ زده می‌شوند یا راست زده. یا از اینطرف بام می‌افتند یا از آن سوی بام. اما در میان پژوهشگران دینی توازن بیشتری رعایت می‌شود آنها هم نوگرا هستند و هم مخالف تخریب مذهبی و هم مدافع آزادی و هم مدافع مرزهای سنت و هم مدافع پالایش سنت و هم گزینشگر مدرنیسم. البته این قاعده کلی و عام را هم نباید نادیده انگاشت که کامیابی و ناکامی در هر زمینه‌ای عامل ریزش یا رویش و فریبی یا رنجوری است. برای مثال هنگامی که جریان‌های اصلاحی پیوسته با دیوارهای سخت روبه‌رو شده و توده حامی احساس سرخوردگی و ناکامی کنند و آموزه‌های اصلاحی در عمل از اعتبار می‌افتند و به‌طور طبیعی رادیکال می‌شوند. روشنفکری دینی نیز هنگامی که با اقبال روبه‌رو شود رشد می‌کند چنانکه در دهه ۷۰ رخ داد اما هنگامی که در سه کتخ رنگ سیاست افتاده و به جای شنیدن ایده‌های درست و یا نادرست اش، تکفیر و طرد شود به‌طور طبیعی و گاه ناخواسته بسوی رادیکالیسم میل می‌کند. بنابراین عامل سیاست در تغییر موازنه‌ها و رفتارها و باورها نقش مؤثر دارند.

سیاست کج‌دار و موریز

سفر هیاتی از دولت طالبان (امارت اسلامی) افغانستان به ایران دوباره بحث و جدل‌هایی را درباره نوع ارتباط و تعامل دولت ایران با دولت طالبان افغانستان مطرح کرده است. این هیات ۳۰ نفره به ریاست ملایرادر، معاون نخست وزیر دولت طالبان افغانستان راهی تهران شده و با مقامات ارشد ایرانی نیز دیدارهایی داشته دارد. به این بهانه می‌توان به چند نکته پرداخت. دولت طالبان (امارت اسلامی) در افغانستان، واقعیت عینی موجود است. یعنی دولتی است که بر سراسر این کشور کنترل و سیطره دارد و زمان اداره امور افغانستان را در دست دارد. این واقعیتی است که چه دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم (که اکثریت دوست نداریم) وجود دارد. چه از طالبان خوشمان بیاید یا نیاید این حکومت حاکم است هر چند با هزار مشکل ریز و درشت مواجه باشد. هیچ مخالف و مخالفت ملموس، اساسی و روی زمین هم در برابر دولت طالبان افغانستان وجود ندارد که حکمرانی آن را با خطر جدی روبه‌رو کند یا منززل سازد. مثل همسایه‌ای که شما از او متنفر هستید، اما ساکن دیوار به دیوار آپارتمان شماست و با او در پرداخت قبض‌های آب و گاز و دیگر هزینه‌های ساختمان اشتراک دارید. شما مجبور به ارتباط و تعامل برای حفظ منافع خود هستید. ایران یکی از طولانی‌ترین مرزهای زمینی را با افغانستان دارد (حدود ۹۰۰ کیلومتر) معادل حدودی مسیر سفر زمینی تهران تا شیراز. این مرز مشترک زمینی در کنار ارتباطات اقتصادی و تجاری، روابط اقتصادی، اقامت جمعیت بزرگی از شهروندان افغانستانی در ایران (حدود ۶ میلیون نفر)، وجود تعداد زیاد خانواده‌های ایرانی - افغانستانی (خانواده‌ای که پدر یا مادر، ایرانی یا افغانستانی هستند)، تهدیدات و چالش‌های مشترک از جمله امنیتی، مواد مخدر و داعش، وضعیت آب‌های مرزی، شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مناطق مرزی شرقی ایران، ارتباطات و اشتراکات فرهنگی، دینی و مذهبی و زبانی همه اینها و بیش از اینها، تعامل دولت ایران را با دولت طالبان افغانستان به یک الزام و نه انتخاب، تبدیل کرده است. این الزام فراتر از چپستی و چگونگی دولت حاکم بر افغانستان است. اگر دولت ایران فقط و فقط به دنبال کنترل امنیت مرزی خود با افغانستان باشد حتما نیازمند تعامل و ارتباط با حاکمان کابل است. فارغ از اینکه چه کسی حاکم باشد. براساس آمارهای رسمی، بیشترین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از سوی سرمایه‌گذاران افغانستانی انجام شده است. هم‌زمان، بخش مهمی از صادرات کالاهای ایران به مقصد افغانستان انجام می‌شود و ایران، یکی از تأمین‌کنندگان اصلی کالاهای مورد نیاز این کشور است. کافی است سری به بازارهای افغانستان بزنیم تا حجم گسترده کالاهای ایرانی را ببینیم. افغانستان فعلی، سرزمین بکر فرصت‌های اقتصادی است. بهره‌مندی از مزیت‌های اقتصادی افغانستان، نیازمند ارتباط و تعامل با دولت و حکمرانان این کشور است. علاوه بر این، هر گونه ناامنی یا آغاز دوباره خشکسالی در افغانستان، به سود ایران نیست و می‌تواند کشور را تهدیدات امنیتی - اقتصادی - اجتماعی روبه‌رو کند. با وجود افتراقات جدی ماهیتی دولت‌های طالبان (امارت اسلامی افغانستان) و جمهوری اسلامی ایران اما هر دو طرف می‌دانند جز ارتباط و تعامل با یکدیگر راه سودمند دیگری وجود ندارد. ایران و عراق در زمان جنگ ۸ ساله با وجود اینکه در خط مرزی درگیری مستقیم نظامی و تن به تن وجود داشت؛ با اینکه دو طرف، سرزمین یکدیگر را بمباران می‌کردند و هدف قرار می‌دادند، اما سفارتخانه‌های ایران و عراق در بغداد و تهران، بار بودند. چه برسد اکنون که ایران و دولت آمریکا از افغانستان، مبارزه با داعش، مقابله با مواد مخدر، مدیریت وضعیت مهاجران افغانستانی و حفظ امنیت مرزها توافق و همکاری دارند.

◀ **تعامل با دولت طالبان، به معنی تأیید رفتارهایش نیست**

از طرفی ارتباط و تعامل با دولت طالبان، به معنی تأیید همه رفتارها و تصمیمات و نگاه‌های این دولت نیست. نزدیک به ۱۹۳ کشور در جهان وجود دارد که دولت ایران با بسیاری از آنها روابط دیپلماتیک دارد، اما این به معنی تأیید همه عملکردها، تصمیمات و رفتارهای این دولت نیست. در حال حاضر دولت طالبان افغانستان نیز در برخی ویژگی‌ها هم اکنون در جهان بدون شبیه است. ممنوعیت تحصیل برای دختران در مدارس و دانشگاه‌ها، ممنوعیت دختران و زنان از کار در ادارات و مراکز دولتی و خصوصی، ممنوعیت ورود زنان به مراکز تفریحی و گردشگری بخشی از ممنوعیت‌های عجیب و غریبی و ضد بشری است که دولت طالبان در افغانستان علیه زنان و دختران این کشور اعمال می‌کند. این یکی از دلایلی است که در حال حاضر دولت طالبان افغانستان جز از سوی دولت چین، از سوی هیچ کشوری در جهان نه قطع روابط تهران با دولت طالبان افغانستان، منافی را برای ایران و ایرانیان جلب می‌کند و نه ستیز و دشمنی با این دولت، منافی را برای مردم افغانستان خواهد داشت. سوم؛ به نظر می‌رسد سیاست ایران در برابر دولت طالبان افغانستان، سیاست کج‌دار و موریز است. از یک سو ایران از به رسمیت شناختن دولت طالبان افغانستان خودداری می‌کند و از سوی دیگر، سفارت ایران در کابل فعال است. دولت ایران، سفارت افغانستان در تهران را به نمایندگان دولت طالبان سپرده تا این لحظه، وزارت خارجه ایران از معرفی سفیر در کابل یا پذیرش سفیر از سوی دولت طالبان خودداری کرده است.